یادداشت

شرکت در انتخابات در چه صورت معنادار است؟

احمدرضا سازگارنژاد
پژوهشگر سیاست‌گذاری عمومی و فعال سابق دانشجویی

در کشاکش روزهای سختی که بر میهن عزیزمان می‌گذرد، بار دیگر، به اجبارِ جهان پیش‌بینی‌ناپذیر، برخی ایرانیان مقابل این پرسش قرار گرفته‌اند که آیا در انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری شرکت کنند یا نه. فارغ از اینکه هر ایرانی چه تصمیمی دارد و بنا به شرکت در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری را دارد یا نه، که به زعم این‌جانب تا آخرین روز پیش از انتخابات ممکن است نظرات آحاد جامعه تغییر کند و شاهد تحولاتی اساسی در نگرش رأی‌دهندگان باشیم، ضروری است به این بپردازیم که شرکت هر یک از ما در انتخابات تحت چه شرایطی معنادار است؟ آیا با صرف رأی‌دادن و انتخاب یک نامزد سهم خود را ایفا کرده‌ایم؟ تلاش می‌کنم در این یادداشت کوتاه از زاویه‌ای به موضوع بپردازم که نقش هر یک از ما ایرانیان را در فرایند سیاسی و انتخابات بکاوم. به نظر من، شرکت در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و... با رعایت سه پیش‌فرض می‌تواند ارزش‌آفرین باشد و کار ما با صرف رأی‌دادن تمام نمی‌شود و رعایت این سه مؤلفه می‌تواند انتخاب رئیس‌جمهور یا هر کسی را که در معرض رأی عمومی قرار دارد، معنادار کند:

نخست: مطالبه‌گری آگاهانه: یکی از شرایطی که باید هر فرد هنگام رأی‌دادن در یک انتخابات به آن بنگرد و نسبت خود را با آن تعیین کند، میزان مطالبه‌گری آگاهانه‌ای است که می‌خواهد در آینده نسبت به وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور داشته باشد و اینکه چگونه در نظر دارد تا دغدغه‌های ملی، اجتماعی و فردی خود را از طریق او پیگیری کند. در ساختار معیوب سیاست در ایران، در چرخه‌ای که شایسته‌سالاری مدیران از بالاترین سطح تا پایین‌ترین سطوح دچار اشکالات ساختاری است، انبوه بحران‌های اقتصادی و بین‌المللی گریبان دولت را گرفته، شکاف‌های اجتماعی در حال تبدیل به گسل هستند، فساد و ناکارآمدی ساختاری شده و فرهیختگان بسیاری در حال مهاجرت از ایران‌اند، لازم است که یک واقعیت کلیدی و محوری را بپذیریم: هر منتخبی که در این ساختار سکان هدایت دولت را در دست بگیرد، لاجرم باید با اشکالات این ساختار دست‌وپنجه نرم کند و این مصائب سبب خواهند شد تا از مسیری که قصد طی‌کردن آن را داشته است، خارج شود و درهم‌تنیدگی این بحران‌ها پرتوان‌ترین و آماده‌ترین دولت‌ها را نیز از نفس می‌اندازد. درست در همین جا، در نقطه‌ای که رئیس‌جمهور ممکن است از مسیر از پیش تعیین‌شده مطالبات عمومی خارج شود، هر فرد جامعه باید خود را در قبال این تغییر مسیر مسئول بداند. حفظ دموکراسی، به معنای حفظ اختیار دولت و حکومت در دست مردم، یک تمرین هرروزه است و هر یک از ما برای ادامه‌یافتن دموکراسی باید در هر لحظه و هر جا از آن محافظت کنیم. حفظ دموکراسی وظیفه و خواست مردم است نه صاحب قدرت. برای تحقق این ارزش مبنایی، مسئولیت‌پذیری نسبت به رأی و نامزدی که او را برای کشورداری برگزیده‌ایم نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد تمرین هرروزه دموکراسی است. مسئولیت‌پذیری نسبت به رئیس‌جمهور یعنی در جایی که منافع قدرت رودرروی منافع عمومی قرار می‌گیرد، که متأسفانه اتفاقی رایج است، عموم جامعه باید احساس مسئولیت کرده و نسبت به این تغییر مسیر هشدار دهند و با حداکثر توان در مقابل این تغییرات مقاومت کنند و مطالبه‌گر فعال اصلاح عملکرد رئیس‌جمهور باشند. رئیس‌جمهور باید متوجه این موضوع باشد که افکار عمومی حامیان او به شدت نسبت به عملکردش حساس‌اند و تمامی اقدامات او را زیر نظر دارند. تجربه‌های فراوانی نشان داده که مطالبه‌گری آگاهانه، پردامنه و ایجابی افکار عمومی نسبت به برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی، حتی در زمان اقتدارگراترین کابینه‌ها در تاریخ ایران، می‌تواند مجموعه دولت را به کرنش در برابر جامعه وادار کند.

دوم: تشکل‌یابی مدنی: تحقق چنین مطالبه‌گری آگاهانه‌ای در ایران با چالش‌های فراوان همراه است و نگاه امنیتی به این مطالبه‌گری‌ها هزینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها را فراتر از توان شخصی افراد جامعه کرده است. بر پایه چنین [illegible]

جنبش سه‌نفره ادبیات

جنبش شعر کردی روانگه و کفری در گفت‌وگو با لطیف هلمت، شاعر کردستان عراق و عضو سه تفنگدار مکتب کفری

فیض‌الله پیری

شبیه و چون او ندیده‌ام. از تبار پدری به اهل بیت پیامبر اسلام(ص) می‌رسد و می‌گوید: «از همان کودکی با بوستان و گلستان سعدی آشنا شده است. روزهای عاشورا اهل خانه جمله روزه می‌گرفتند و مراسم‌های آیینی خاصی برگزار می‌شد». ملازاده، شیخ‌زاده، صوفی و شاعری از تبار نوگرایان سوررئالیست و رمانتیک که دوست دارد پست‌مدرنیست باشد! «هلمت» بسیار موضوعات متضاد و متناقضی را در خود نهفته دارد و می‌گوید: «من شاعر حزبی نیستم و برای کُرد می‌نویسم». کاملا با زبان و ادبیات فارسی آشناست و شناختی ژرف از ادبیات عربی دارد. او گرچه ادبیات نوبل را جایزه‌ای سیاسی تلقی می‌کند، اما معتقد است که کردها نیز شاعرانی در تراز این جایزه دارند. از ظهور و تفاوت‌های دو جنبش ادبی «کفری» و «روانگه» سخن می‌گوید. در این گفت‌وگو از موضوعات دیگری چون «شعر مقاومت» در کردستان عراق در سال‌های پس از ۱۹۹۱ نیز سخن به میان آمد. «لطیف هلمت» با سعه صدر در محوطه هتل جهانگردی سنندج به سؤالات ما پاسخ گفت.

[illegible] پذیرش این گفت‌وگو. مشتاقیم اگر موافقید در سرآغاز به جنبش‌های [illegible] «روانگه» بپردازیم. اما بگذارید کمی به عقب‌تر برگردیم، از جایی که [illegible] ادبیات فارسی را از پدرتان آموختید. شما فردی شیخ‌زاده هستید [illegible] عارفانه و صوفیانه رشد یافتید. این دو عامل چه نقشی در سوق‌دادن [illegible] به سوی ادبیات داشتند؟

[illegible] چشم باز کردم، کتاب دیده‌ام. پدرم در خانه کتابخانه بزرگی داشت. [illegible] به یاد دارم، سوای قرآن مقدس، کتب احادیث، تفاسیری از قبیل [illegible] «زمخشری»، «صحیح بخاری» و... مجموعه کثیری از کتاب‌های [illegible] مانند «گلستان» و «بوستان سعدی»، «منطق‌الطیر» و «پندنامه عطار [illegible] دیوان حافظ»، «جامی»، «بیدل» و حتی «رباعیات خیام» در این [illegible] می‌شد. تاریخ این موضوع به ۴۰ تا ۵۰ سال گذشته برمی‌گردد. در آن [illegible] و تصوف رواج زیادی داشتند. پدر من هم شیخ بود و دراویش و [illegible] داشت. در دیدارهایش با مریدان، شعر فارسی می‌خواند و برایشان [illegible] نیز کودکی شش، هفت‌ساله، به صحبت‌های پدر و شعرهایی که [illegible] حافظ و جامی و بیدل می‌خواند، گوش می‌دادم و از آن روز به بعد [illegible] در پی شعر نهاده‌ام.

[illegible] بسیاری از حجره‌ها و خانقاه‌های کردستان، ادبیات فارسی تدریس و [illegible] رابطه میان مشایخ و تصوف و حتی روحانیت کردستان از قدیم‌الایام [illegible] بسزایی بر اشاعه و پیشرفت ادبیات کردی داشته و افرادی چون شما [illegible] پذیرفته است. ابعاد متفاوت این رابطه را چگونه می‌بینید؟

[illegible] تأثیر بسزایی داشته است. پدربزرگ من، پدرم را برای تحصیل نزد [illegible] روحانی می‌فرستاد. این اتفاق بنا به سن پدرم به حدود ۹۰ سال گذشته [illegible] ۹۶ سال سن داشت. استاد پدرم، خود شاعر بود و «ملا صادق» نام [illegible] از او را همواره به خاطر دارم. برای مثال جایی می‌گوید:

[illegible] به تفاقه‌وه
[illegible] شتوه به مه‌راقه‌وه
[illegible] وه‌ر جوشی مسینه
[illegible] وه، ئین روکنی دینه

[illegible] به همراه تنقلات مهیا است و همین بساط ساده مایه دق‌مرگی همه [illegible] ستان بدانید که جوشیدن سماور مسی، رکن اصلی دین است». توجه [illegible] چای را «رکن اصلی دین» قلمداد کرده است. این یکی از شعرهای [illegible] است که به پدر من علوم حجره‌ای و دینی آموخته است.

[illegible] ادبیات فارسی بهره برده‌اید و همچنان که گفتید با این ادبیات از [illegible] آشنا شده‌اید.

[illegible] ایرانی. بله.

[illegible] پدر شما هم شاعر بوده...

[illegible] بوده و اشعار زیادی سروده است. بیشتر شعرهای او مدیحه‌سرایی [illegible] بودند. برای مثال اشعار زیادی در مدح اهل بیت پیامبر (ص) اعم [illegible] امام علی (ع)، امام حسین (ع) و... سروده‌اند. ما همچون خانواده‌های [illegible]

مدارس از طریق معلمان خویش با موضوعات جدیدی آشنا می‌شدیم. ما در خانه، کتاب «الف لیل و اللیل» (هزار و یک شب) داشتیم و پدرم داستان‌هایی از این کتاب را برایم تعریف کرده بود. همین باعث شده بود که رؤیای خواندن آن را در سر بپرورانم. منزل ما در شهر کفری بود و برای ادامه تحصیلات دبیرستان بایستی به مرکز استان یعنی شهر کرکوک می‌رفتیم. فاصله میان این دو شهر را که حدود یک ساعت تا ۴۵ دقیقه است، با قطار طی می‌کردیم. در کرکوک با کتاب‌های «جبران خلیل جبران» لبنانی، «مصطفی لطفی المنفلوطی» اهل مصر و «میخایل نعیمه» آشنا شدم. سپس شیفته شاعران نوگرای عراقی مانند «عبدالوهاب بیاتی» و «بدر شاکر السیاب» شدم. البته می‌توان نام‌های دیگری را مانند «نازک الملائکه»، «علی احمد سعید (ادونیس)»، «الحاج»، «یوسف الخال»، «محمد الماروت» نیز به این اسامی افزود. همچنین از طریق زبان عربی و ترجمه اشعار با شاعرانی از قبیل «ادگال آلاتکو»، «بتلت»، «یاشینین»، «مایکوفسکی»، «پوشکین»، «رمبو»، «تی.اس.الیوت»، «شیلی»، «آراگون» و... آشنا شدم. این مطالعات من را به سمت سرودن شعر نو سوق داد و دوران نوگرایی شعری من از آن پس آغاز شد.

به نظر می‌رسد در آن سال‌ها مانند امروز شعر کردی مورد توجه نبود و رواج چندانی نداشت. مشخصا بفرمایید شاعران کردزبان پیرامون شما که در آن ایام قلم می‌زدند، کدام‌ها بودند؟

در ادبیات کردی آن سال‌ها نام‌هایی مانند محمدصالح دیلان، کامران مکری، احمد هردی و... یا بهتر است بگویم شاعران پسا گوران، بیشتر به چشم می‌آمدند.

استاد گوران را از نزدیک ملاقات کردید؟

نه متأسفانه. درست یک سال قبل از سرودن اولین شعر من، ایشان از دنیا رفته بودند. من کودکی بیش نبودم و از سلیمانیه دور بودم.

تصور می‌کنم شما بیشتر از اشعار عربی و اروپایی بهره می‌گرفتید تا اشعار کردی.

بله، من فرهنگ و دایره‌المعارفی از ادبیات عربی بودم و از طریق همان ادبیات با شعر اروپایی آشنا شده بودم. داستان نویسندگانی مانند «همینگوی»، «چخوف»، «تولستوی» و... را از طریق زبان عربی می‌خواندم. در آن سال‌ها عربی را به سبب اینکه زبان تحصیل‌مان بود، بهتر می‌دانستیم. بعدها خودم کردی‌خواندن را یاد گرفتم. چنان که امروز یکی از استادان عزیز با محبت و تفقد از تسلط من بر زبان کردی سخن می‌گوید و شکر خدا به نظر ایشان، من و یکی از دوستان جزء چهار، پنج نفر درست‌نویسی زبان کردی‌ام.

این دوست شما همان استاد فرهاد شاکلی نیست؟

بله، خودش است!

شما با احمد شاکلی مکتب شعری کفری را راه‌اندازی کردید. تاریخ درست این اتفاق به چه سالی برمی‌گردد؟

دو برادر از روستا آمده بودند و من در شهر کفری زندگی می‌کردم. ما را به‌عنوان گروه کفری می‌شناختند. من در سال‌های تحصیل در دبستان کفری، کنجکاوانه بیشتر وقتم را در کتابخانه‌ها می‌گذراندم و می‌چرخیدم و فرهاد و احمد را نیز بیشتر آنجاها می‌دیدم. هر دو، کتاب در دست مشغول مطالعه بودند. کتاب‌های آن [illegible]

[illegible]

نگاه دیگر

دکتر پزشکیان می‌تواند شور انتخاباتی ایجاد کند

کیکاوس پورایوبی

تقریبا همه کاندیداهای ریاست‌جمهوری چهاردهم جمهوری اسلامی ایران به صراحت هم واقف و هم معتقدند که کشور نیاز اساسی به توسعه زیربنایی دارد. مانوردادن و زوم‌کردن روی برنامه توسعه هفتم نشان از تحول است؛ هرچند این برنامه مانند شش برنامه گذشته دارای نقاط بسیار ضعف و قوتی است که توصیف آن در این مقال نمی‌گنجد. اما رشد اقتصادی هشت درصد برای کشور، چگونه و با چه ابزاری به دست می‌آید؟ جای تأمل و نگرش عمیق دارد! پایان سال ۱۴۰۴ زمان سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور به پایان می‌رسد؛ همان سندی که قرار بود کشور را در منطقه به جایگاه اول در دستاوردهای مهم حیاتی و زندگی ارتقا دهد.

امروز فقط خودمان را مقایسه کنیم با چند کشور منطقه، ترکیه، عربستان، امارات، قطر و... واقعا در رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری ملی حرفی برای گفتن داریم؟ درحالی‌که تمام نامزدهای محترم انتخاباتی مسئولیت‌های کلانی در مقاطع زمانی مشخصی در کشور داشته‌اند و اکنون نمی‌توانند در زمینه توسعه کشور از خود سلب مسئولیت کنند؛ هرچند میزان اختیارات در مسئولیت‌ها متفاوت و متکثر و دارای شدت و ضعف بوده است، ولی همه نامزدها در تحقق آن دخیل بوده‌اند.

لازم به یادآوری است فقط در دولت هفتم و هشتم فتیله نگارش و تدوین رشد اقتصادی مقداری پایین کشیده شد تا واقع‌بینانه به موضوع نگریسته شود؛ درست در همان مقطع هم رشد اقتصادی مناسبی داشیم و هم توانستیم میزان تورم را کاهش دهیم. اکنون سؤال این است که رشد اقتصادی هشت درصد قابل تحقق است و چون نوشته شده و مصوب شده حتما دست‌یافتنی است؟ همگان می‌آیند روی معلول صحبت می‌کنند و علت‌ها را فراموش کرده‌اند. بدون پیوستن به جامعه جهانی این رشد قابل تحقق است؟ بدون برداشتن تحریم‌ها و فروش حداقل چهار میلیون بشکه نفت می‌شود به این آرمان ملی رسید؟ بدون سرمایه‌گذاری خارجی این رشد اقتصادی بالا را خواهیم داشت؟ در میان نامزدهای محترم کسانی صحبت از نجات اقتصاد کشور می‌کنند که در صورت انتخاب و واردشدن به عرصه قدرت، در همان روز اول چنان شوکی به اقتصاد و بازار داخلی وارد می‌شود که جبران آن زمان زیادی را لازم دارد. من نمی‌دانم این تصور که فلان نامزد در کار اجرائی ید طولایی دارد و دارای قدرت اجرائی است و مدیر توانمندی است و بهتر است رئیس دولت شود با منطق سازگار است؟ اگرچه مدیریت کلان کشور هم نیاز به متخصص دارد و هم مدیر اجرائی، این حکمرانی کاملا حرف حقی است، اما چند اصل اساسی نباید فراموش شود؛ اول از همه اعتماد بالای مردم به شخص منتخب است تا این دیوار بی‌اعتمادی که اکنون به وجود آمده، شکسته شود و در صحنه جهانی به نمایش گذاشته شود که رئیس‌جمهور منتخب، رئیس دولت اکثریت مردم ایران است. دوم نفوذ و پذیرش در جامعه بین‌المللی است تا با سیاست و کیاست هم تصور و ایستار جامعه جهانی را به تصمیات کلان کشور عوض کند و هم سرمایه لازم را برای توسعه کشور فراهم کند.

مدیر اجرائی قوی بدون سرمایه، اعتبار و پول، چه چیزی را مدیریت می‌کند؟ اینکه ۸۰ درصد معضلات ما داخلی است و ۲۰ درصد خارجی، نعل وارونه به مدیریت کلان کشور است. با مدیریت زمان و به‌کارگیری تحلیلگران، اقتصاددانان و سیاست‌مداران بین‌المللی جامعه ایران را مورد سنجش قرار دهیم و پس از نتایج سنجه‌های ارزیابی، موضوع را بدون رودربایستی به مردم اعلام کنیم. [illegible]